



امام مجد باقر علیه السلام

الباقر، امام مجد بن علی علیه السلام، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام، امام پنجم از ائمه اثنا عشر و یکی از چهارده معصوم می باشد.

فهرست مندرجات

- ۱ - کنیه امام باقر (علیه السلام)
- ۲ - القاب امام باقر (علیه السلام)
- ۳ - نسب امام باقر (علیه السلام)
- ۴ - مادر امام باقر (علیه السلام)
 - ۴.۱ - فضایل مادر حضرت
 - ۴.۲ - اقوال درباره نام مادر حضرت
 - ۴.۲.۱ - سبط ابن جوزی
 - ۴.۲.۲ - اربلی
- ۵ - تولد امام باقر (علیه السلام)
- ۶ - شهادت امام باقر (علیه السلام)
 - ۶.۱ - ماه و روز شهادت
 - ۶.۲ - محل شهادت
- ۷ - سوانح حیات امام باقر (علیه السلام)
 - ۷.۱ - ائمه زمان حضرت
 - ۷.۲ - خلفای زمان حضرت
 - ۷.۳ - فعالیت‌های فرهنگی
 - ۷.۴ - احضار شدن به شام
- ۸ - فرزندان امام باقر (علیه السلام)
- ۹ - شمایل امام باقر (علیه السلام)
- ۱۰ - سیره امام باقر (علیه السلام)
 - ۱۰.۱ - میزان بهره‌مندی از دنیا
 - ۱۰.۲ - کشاورزی
 - ۱۰.۳ - هزینه زندگی
 - ۱۰.۴ - مردم‌داری
 - ۱۰.۵ - زهد
 - ۱۰.۶ - بیان حقایق عرفانی
 - ۱۰.۷ - ذکر
 - ۱۰.۸ - مواجهه با مصائب
 - ۱۰.۹ - فروتنی
 - ۱۰.۱۰ - عبادت
- ۱۱ - مقام علمی امام باقر (علیه السلام)
 - ۱۱.۱ - وجه تسمیه به باقر
 - ۱۱.۱.۱ - روایت پیامبر
 - ۱۱.۱.۲ - نظر ابن عماد
 - ۱۱.۱.۳ - نظر ابن خلکان
 - ۱۱.۱.۴ - نظر ابن منظور
 - ۱۱.۱.۵ - نظر زبیدی
 - ۱۱.۲ - فقه و حدیث حضرت
 - ۱۱.۲.۱ - نظر نسایی
 - ۱۱.۲.۲ - نظر ذهبی
 - ۱۱.۲.۳ - نظر شیخ مفید
 - ۱۱.۲.۴ - نظر عبدالله مکی
- ۱۲ - راویان امام باقر (علیه السلام)
- ۱۳ - یاران خاص امام باقر (علیه السلام)
- ۱۴ - احادیث امام باقر (علیه السلام)
 - ۱۴.۱ - کتب اهل سنت
 - ۱۴.۱.۱ - علل کم بودن احادیث
 - ۱۴.۱.۲ - نوع روایات نقل شده
 - ۱۴.۱.۳ - نقل امام از افراد
 - ۱۴.۲ - موضوعات احادیث امام
 - ۱۴.۳ - تفسیر منسوب به امام

- ۱۵ - اهداف حلقه‌های درسی امام باقر (علیه‌السلام)
 - ۱۵.۱ - عرضه دیدگاه‌های اسلامی
 - ۱۵.۲ - روشن‌گری درباره انحرافات
 - ۱۵.۳ - گشایش ابواب علمی غیرمطرح
 - ۱۵.۴ - پرورش دانشمندان اسلامی
- ۱۶ - مناظرات امام باقر (علیه‌السلام)
 - ۱۶.۱ - مناظرات گردآوری شده
 - ۱۶.۲ - مناظرات مشهور
 - ۱۶.۳ - بررسی مناظره با نافع
- ۱۷ - مواضع و اقدامات سیاسی امام باقر (علیه‌السلام)
 - ۱۷.۱ - جای‌گاه اجتماعی امام
 - ۱۷.۲ - تقیه امام
 - ۱۷.۳ - مواجهه با هشام
 - ۱۷.۴ - گزارش ابن ابی‌الحدید
 - ۱۷.۵ - گزارشات دیگر
 - ۱۷.۶ - پرهیز از اقدام سیاسی عمومی
 - ۱۷.۷ - راهنمایی حاکمان اموی
- ۱۸ - امامت امام باقر(علیه‌السلام) در میان شیعیان
 - ۱۸.۱ - مخالفان امامت حضرت از شیعیان
 - ۱۸.۱.۱ - کیسانیه
 - ۱۸.۲ - سرخوبیه
 - ۱۸.۲.۱ - زیدیه
 - ۱۸.۲.۲ - ولد الحسن
 - ۱۸.۳ - احادیث اثبات امامت حضرت
 - ۱۸.۴ - دلایل کلامی امامت حضرت
 - ۱۹ - فرق شیعه بعد از امام باقر (علیه‌السلام)
 - ۱۹.۱ - پیروان نفس زکبه
 - ۱۹.۲ - پیروان ابومنصور عجلی
 - ۱۹.۳ - یاقربه
 - ۲۰ - رابطه امام باقر (علیه‌السلام) و شیعیان
 - ۲۱ - عناوین مرتبط
 - ۲۲ - فهرست منابع
 - ۲۳ - پانویس
 - ۲۴ - منبع

کنیه امام باقر (علیه‌السلام)

راویان و محدثان شیعه غالباً با کنیه ابوجعفر از امام باقر علیه‌السلام یاد کرده‌اند. برای تمایز احادیث منقول از امام نهم، حضرت **محمد بن علی الجواد** علیه‌السلام، که او نیز کنیه ابوجعفر داشته است، از روایات امام باقر علیه‌السلام، لفظ «ثانی» را به کنیه امام نهم افزوده‌اند. [۱]

القاب امام باقر (علیه‌السلام)

لقب مشهورشان «باقر» یعنی شکافنده علوم است (رجوع کنید به دنباله مقاله)، اما القاب دیگری چون «هادی» و «شاکر» هم داشته‌اند. [۲]

نقش انگشتی ایشان نیز، به روایت **ابن عساکر**، [۳] «الْقُوَّةُ لِلَّهِ جَمِيعًا» بوده است.

نسب امام باقر (علیه‌السلام)

حضرت باقر علیه‌السلام از سوی پدر، **نوه امام حسین** علیه‌السلام و از سوی مادر، **نوه امام حسن** علیه‌السلام است.

مادر امام باقر (علیه‌السلام)

مادرشان فاطمه دختر امام حسن علیه‌السلام بود، ازین‌رو در حقّ او گفته‌اند: علوی بود که از دو سوی **علوی** بود و فاطمیی بود که از دو سوی **فاطمی** بود. [۴]

← فضایل مادر حضرت

فاطمه بنت الحسن، که به **امّ‌عبدالله** (یا **امّ‌عبد**، یا **امّ‌حسین**) شهرت داشت، بانویی جلیل‌القدر بود و از حضرت **صادق** علیه‌السلام درباره او نقل شده است که «او صدیقه بود و در آل **حسن** زنی چون او نبوده است». [۵]

← اقوال درباره نام مادر حضرت

← سبط ابن جوزی

برخی از متأخران چون **سبط ابن جوزی** (متوفی ۶۴۵) [۶] و **ابن خلکان** (متوفی ۶۸۱) [۷] مادر امام پنجم را دختر **حسن مثنی** و **نوه امام مجتبی** علیه‌السلام دانسته‌اند.

این قول صحیح نیست، زیرا مورّخان قرن سوّم و از جمله **یعقوبی** [۸][۹] و نیز **علوی عمری**، **نسب شناس** قرن پنجم، [۱۰] تصریح کرده‌اند که او دختر امام مجتبی علیه‌السلام بوده است.

[۱۱] **اِربلی** نیز به نقل از **حافظ عبدالعزیز جُنابذی** (متوفی ۶۱۱)، مادر امّ عبدالله را **امّ قروه دختر قاسم بن محمّد ابی بکر** (متولّد ۳۷) دانسته، که اشتباه است. زیرا به تصریح علما، از جمله **شیخ مفید** [۱۲][۱۳] **امّ قروه همسر** امام باقر علیه‌السلام بوده است. منشأ این اشتباه خطایی است که در کتابت و نقل رخ داده و بر اثر حذف شدن قسمتی از **روایت**، عبارت راجع به **فرزندان امام باقر** علیه‌السلام (یعنی امام صادق علیه‌السلام و عبدالله بن محمّد) به خطا به مادر آن حضرت نسبت داده شده است. این اشتباه عیناً در **بحار الانوار** [۱۴] تکرار شده است، ولی عبارت درست و کامل را **ابن سعد** [۱۵] و **ابن جوزی** [۱۶] آورده‌اند. اربلی، نیز عبارت ابن جوزی را در صفحات بعد [۱۷] نقل کرده است.

تولد امام باقر (علیه‌السلام)

همه منابع محل تولد آن حضرت را **مدینه** نوشته، ولی در سال ولادتشان اختلاف دارند. بیشتر منابع شیعی تولد آن حضرت را در ۵۷ هجری دانسته‌اند [۱۸][۱۹][۲۰] (**مجلسی** [۲۱] بیشتر اقوال را آورده است)، و برخی از مورخان **اهل سنت** نیز بر این قول‌اند، [۲۲] اما عده‌ای سال ۵۶ را ذکر کرده‌اند. [۲۳][۲۴][۲۵] در روز تولد ایشان نیز اختلاف است. **شیخ طوسی** [۲۶] **فضل بن حسن طبرسی** [۲۷] و دیگران [۲۸] روز ولادت آن حضرت را **روز جمعه اول ماه رجب** و به گفته **طبرسی** بعضی تولّد ایشان را در سوم صفر می‌دانند. از معاصران نیز، **سید محسن امین** [۲۹] و **حاج شیخ عباس قمی** [۳۰] آن را سوم صفر یا اول رجب؛ و از اهل سنت، **ابن خلّکان** [۳۱] سوم صفر ضبط کرده‌اند.

شهادت امام باقر (علیه‌السلام)

تاریخ **رحلت** امام باقر علیه‌السلام را با اختلاف پنج سال، از ۱۱۳ تا ۱۱۸، ذکر کرده‌اند. **ابن سعد** [۳۲] نخست با نقل خبری از استاد خود **واقدی** تاریخ رحلت آن حضرت را سال ۱۱۷ و مدت عمرشان را ۷۳ سال ذکر می‌کند، سپس می‌گوید که رحلت ایشان را در ۱۱۸ و ۱۱۴ هم دانسته‌اند. **ابن اثیر** [۳۳] نیز عمر حضرت باقر علیه‌السلام را ۷۳ سال ثبت کرده و ۵۸ سال را نیز نسبت داده است. اما پیش‌تر مورخان شیعی و سنی **وفات** آن حضرت را در ۱۱۴ و اکثر **سیره نویسان شیعه** عمر وی را ۵۷ سال دانسته‌اند ([۳۴][۳۵][۳۶] و منابع دیگر). به هر حال، ۷۳ سال یقیناً نادرست است، زیرا در آن صورت باید در سال ۴۴ متولد شده باشند. اما چون عموم مورخان تولد پدرش **علی بن حسین** علیه‌السلام را در سال ۳۸ نوشته‌اند و بنا بر این در سال ۴۴ آن حضرت بیش از شش سال نداشته است، امکان تولد حضرت باقر علیه‌السلام در سال ۴۴ منتفی است. **یعقوبی** [۳۷] هر چند وفات حضرت باقر علیه‌السلام را به سال ۱۱۷ می‌داند، می‌گوید که وی ۵۸ سال عمر کرده و در **واقعه عاشورا** چهار ساله بوده است. اما چون واقعه عاشورا در سال ۶۱ هجری بوده، وفات آن حضرت سال ۱۱۴ می‌شود نه ۱۱۷. به نظر می‌رسد که چون مورخان اهل سنت، ولادت را سال ۵۶ و وفات را ۱۱۴ ثبت کرده‌اند، باید **عمر** امام باقر علیه‌السلام را ۵۸ سال بدانند. [۳۸]

← ماه و روز شهادت

در ماه و روز رحلت آن حضرت نیز اختلاف است و آن را در **ربیع الأوّل** و هفتم **ذی الحجّه** و **ربیع الآخر** گفته‌اند. [۳۹][۴۰][۴۱] برخی از مورخان، از جمله **ابن خلّکان** [۴۲] و **صفدی** [۴۳] محل وفات او را ده‌کده‌ای به نام **حَمِیمَه** واقع در منطقه **شِراة** بین راه **مدینه** به **دمشق** [۴۴] دانسته‌اند.

← محل شهادت

در باره محل **دفن** آن حضرت، **گورستان بقیع** در مدینه، اختلافی دیده نمی‌شود. در روایت **ابو بصیر** از حضرت صادق علیه‌السلام که **کلینی** [۴۵] و به نقل از او **مجلسی** [۴۶] آورده است، آن حضرت می‌فرماید که پدرم به سال ۱۱۴ وفات یافت و پس از پدر نوزده سال و دو ماه زنده بود. چون رحلت امام سجاد علیه‌السلام را بیشتر مورخان در محرم نوشته‌اند، ظاهراً رحلت امام باقر علیه‌السلام در ربیع الاول بوده است. ولی از ظاهر تعبیر بیشتر مورخان و صریح عبارت **شهید اوّل** (مجلسی [۴۷] به نقل از **الدّروس**) و **قمی** [۴۸] برمی‌آید که هفتم ذی الحجّه را برگزیده‌اند.

سوانح حیات امام باقر (علیه‌السلام)

بنا بر اشهر اقوال، تولد امام باقر علیه‌السلام در سال ۵۷ و وفات آن حضرت در ۱۱۴ است و مدت عمر او ۵۷ سال و مدت امامتش ۱۹ یا ۲۰ سال (**محرّم** ۹۴ تا ربیع الأوّل یا ذی الحجّه ۱۱۴) است.

← ائمه زمان حضرت

چهار سال از حیات جدّ خود امام حسین علیه‌السلام و ۳۷ سال از زندگی پدر خود حضرت علی بن حسین علیه‌السلام را درک کرد.

← خلفای زمان حضرت

دوران زندگیش با حکومت ده تن از **خلفای اموی** (از **معاویه بن ابی سفیان** تا **هشام بن عبدالملک**) و ایام امامتش با حکومت پنج تن از ایشان - **ولید بن عبدالملک** (متوفی ۹۶) و **سلیمان بن عبدالملک** (متوفی ۹۹) و **عمر بن عبدالعزیز** (متوفی ۱۰۱) و **یزید بن عبدالملک** (متوفی ۱۰۵) و **هشام بن عبدالملک** (متوفی ۱۲۵) - مقارن بود.

پس این‌که بعضی از جمله **ابن شهر آشوب** [۴۹] و مجلسی به نقل از او در **بحارالانوار**، [۵۰] سال‌های **امامت** او را تا زمان **خلافت** **ولید بن یزید بن عبدالملک** (مقتول ۱۲۶) و **یزید بن ولید بن عبدالملک** (متوفی ۱۲۶) و برادرش **ابراهیم بن ولید** (مخلوع در ۱۲۷) بسط داده‌اند، اشتباه کرده‌اند. [۵۱] **مسعودی** [۵۲] ضمن آن‌که وفات امام باقر علیه‌السلام را به دوران حکومت **ولید بن یزید** نسبت داده، گفته است که بعضی وفات ایشان را در روزگار **یزید بن عبدالملک** دانسته‌اند.

← فعالیت‌های فرهنگی

بنا بر آنچه از منابع معتبر به دست می‌آید، دوران زندگی امام پنجم پیش‌تر در **شهر مدینه** به نشر معارف دینی و ارشاد شیعیان و تربیت شاگردان گذشت.

← احضار شدن به شام

به روایت کلینی، [۵۳][۵۴] یک بار در دوران هشام بن عبدالملک (حک: ۱۰۵-۱۲۵) آن حضرت و فرزندش **امام صادق** علیه‌السلام از مدینه به **شام** احضار شدند. این ماجرا بعد از مراسم **حج**، که هشام و امام باقر علیه‌السلام هر دو در آن حضور داشتند، روی داده و ظاهراً فصد هشام از این کار **ازعاب** امام بوده است. **بیهقی** [۵۵] به نقل از **کسایبی** و نقلی او از **هارون خلیفه عباسی**، سفر دیگر آن حضرت را به شام به دعوت **عبدالملک مروان** (حک: ۶۵-۸۶) گزارش کرده که البته پیش از دوران امامت او بوده است. (در باره این دو سفر و آنچه میان امام و خلفای اموی گذشت رجوع کنید به دنباله مقاله) ابن عساکر [۵۶] نیز دعوت عمر بن عبدالعزیز (حک: ۹۹-۱۰۱) از ایشان را به شام، به منظور **رایزنی** برخی از مسائل دانسته است. به گفته او، عمر بن عبدالعزیز به **فقها** علاقه فراوان داشت و آنان را نزد خود دعوت می‌کرد که از جمله ایشان امام باقر علیه‌السلام بود.

فرزندان امام باقر (علیه‌السلام)

ابن سعد [۵۷] فرزندان حضرت باقر علیه‌السلام را **چهار پسر** و دو دختر نوشته است. مفید و طبرسی پنج پسر و دو دختر به این شرح نوشته‌اند: ابو عبدالله جعفر (امام صادق علیه‌السلام) و عبدالله (ابن شهر آشوب [۵۸] به اشتباه او را **عبدالله افطح** خوانده است) که مادر این دو **ام‌قروه دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر** بود؛ ابراهیم و عیبدالله که در کودکی درگذشتند و مادرشان **ام‌حکیم دختر اسید** (اسد و سیّد هم ثبت شده است) بن مغیره التقفی بود؛ علی و زینب و ام‌سلمه که مادرهایشان **کنیز** بوده‌اند. [۵۹] از بلی ضامن نقل کامل سخن مفید، از **ابن طلحه شافعی** روایت کرده است که او فرزندان امام را سه پسر و یک دختر دانسته است. [۵۹] علوی عمری [۶۰] فرزندان امام را سه دختر و شش پسر ذکر کرده، اما سومین دختر را نام نبرده و نام پسر ششم را، که با ابراهیم و عیبدالله از یک **مادر** بوده، زید نوشته است. نسل ایشان، هم‌چنان‌که علوی عمری [۶۱] نیز یادآوری کرده، فقط از فرزند برومندش امام صادق علیه‌السلام باقی ماند.

شمایل امام باقر (علیه‌السلام)

امام باقر علیه‌السلام میانه بالا و گندم‌گون و لاغر میان بود. پوستی شاداب و نرم و موی معجّد داشت. صدایش نیکو بود و بر گونه‌اش خالی دیده می‌شد. [۶۲] محمد بن منکدر ایشان را **تومند** وصف کرده است. [۶۳]

سیره امام باقر (علیه‌السلام)

← میزان بهره‌مندی از دنیا

در منابع شیعی روایاتی نقل شده است که بر طبق آنها امام باقر علیه‌السلام از پوشیدن **لباس** خوب و پاکیزه و تهیه **غذاهای** خوب در **خانه** دریغ نداشت و خصوصاً برای رعایت حال برخی از افراد خانه این کار را لازم می‌دید. [۶۴][۶۵][۶۶] این نکته از آن جهت حائز اهمیت است که در روزگار ایشان برخی گرایش‌های **ترک دنیا** پیدا شده بود. و شاید به همین دلیل است که این موضوع در منابع نقل شده است.

← کشاورزی

امام با آن‌که از مرتبت بلند اجتماعی برخوردار بود و به گفته **ذهبی** [۶۷] **سروری** و **دانش** و رفتار صحیح را یکجا جمع کرده بود، شخصاً در **حجاز** در **مزرعه** کار می‌کرد و انگیزه این کار را اطاعت **خدا** و بی‌نیاز شدن خود و خانواده‌اش از مردم می‌دانست. [۶۸]

← هزینه زندگی

از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است که فرمود پدرم از سایر افراد **خاندان** خود درآمد کمتری داشت، ولی هزینه زندگی او از همه بیشتر بود. [۶۹]

← مردم‌داری

آمد و شد **خویشانش** او را دلگیر نمی‌کرد و از آنان با خوراک‌های خوب پذیرایی می‌کرد و جامه‌های نیکو و **مال** نقد می‌بخشید. [۷۰] این روش را با دیگران نیز به کار می‌گرفت و هرگز از **بخشش** به برادران و متقاضیان و کسانی که به امید نزد وی آمده بودند، دریغ نمی‌کرد. [۷۱] همچنین خدمت‌کاران خود را در کارهای دشوار، یاری می‌کرد. [۷۲] هرگاه می‌خواست به سائلی کمک مالی کند او را «یا سائل» نمی‌خواند، بلکه «یا عبدالله» (ای بنده خدا) می‌گفت. [۷۳]

← زهد

امام باقر علیه‌السلام را از زاهدان بزرگ عالم **اسلام** خوانده‌اند. **ابونعیم** با عبارت «الحاضرُ الدّاکر، الخاشعُ الصّابر» از ایشان یاد کرده است. [۷۴] **عطار** کتاب **تذکره الاولیاء** [۷۵] خود را با یاد این **امام** خاتمه داده و، به پیروی از **هجویری**، [۷۶] از آن حضرت به «برهان ارباب مشاهدت» و «امام اولاد نبی» و «گزیده نسل علی» تعبیر کرده است.

← بیان حقایق عرفانی

علاوه بر زهد عملی، بیانات آن حضرت در تفسیر الفاظی چون **عبادت**، **محبت**، **غنا**، **تقوا**، **توکل** و **دنیا** راه‌گشای کسانی بوده که **دین** را از وجهه معنوی و عرفانی می‌نگریسته‌اند.
به گفته **ابن حجر هیتمی** [۷۷] امام باقر علیه‌السلام در ترسیم **مقامات عارفان** و بیان **حقایق عرفانی** سخنانی دارد که زبان از وصف آن عاجز است.

← ذکر

کلینی از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده است که فرمود پدرم همواره **ذکر** خدا می‌گفت و افراد خانواده خود را هم به این کار سفارش می‌کرد. [۷۸][۷۹]
در سفر حجّ او را دیدند که **غسل** کرد و با پای برهنه وارد منطقه **حرم** شد، چون به **مسجد الحرام** رسید، به **کعبه** نگریست و با صدای بلند **گریه** کرد.
آن‌گاه **طواف** کرد و بعد از **نماز** سر به **سجده** نهاد، هنگامی که سر از **زمین** برداشت محلّ **سجده** از بسیاری **اشک** مرطوب شده بود. [۸۰][۸۱]

← مواجهه با مصائب

در برابر **مصائب** تسلیم بود و همواره می‌ترسید که مبادا نعمت‌های خدا را ناسپاسی کرده باشد.
زمانی یکی از افراد خانواده او **بیمار** شد و سپس درگذشت.
امام که از بیماری او ناراحت بود، بعد از **مرگ** وی هرگز اظهار **جزع** نکرد و فرمود: آنچه را دوست می‌داریم از خدا می‌خواهیم، اما وقتی آنچه برای ما ناگوار است روی دهد، نسبت به آنچه خدا برای ما پسندیده است، مخالفت نمی‌کنیم. [۸۲][۸۳]

← فروتنی

آن حضرت در برابر دوستان **فروتنی** می‌کرد و **بد زبانی** افراد را نادیده می‌انگاشت. [۸۴]

← عبادت

ذهبی [۸۵] نقل کرده است که امام باقر علیه‌السلام در شبانه روز صد و پنجاه **رکعت** نماز می‌گزارد، و از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است که پدرش را بنا بر **وصیت** خود او، در جامه‌ای که هنگام نماز بر تن می‌کرد به **خاک** سپردند. [۸۶][۸۷]

مقام علمی امام باقر (علیه‌السلام)

← وجه تسمیه به باقر

همه مؤلفان در ادیان **شیعه** و **سنّی** سبب ملقب شدن آن حضرت را به «**باقر**» دانش فراوان او دانسته‌اند؛ و غالباً این نام‌گذاری را از **پیامبر اکرم** صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌دانند که **جابر بن عبدالله انصاری** از آن حضرت نقل کرده است.

← روایت پیامبر

ابن قتیبه [۸۸] به مناسبت نقل دیدار **زید بن علی بن حسین** یا **هشام بن عبدالملک** و اعتراض او به **هشام** به سبب تعبیر توهین آمیز وی نسبت به امام باقر علیه‌السلام، از **زید** نقل می‌کند که لقب **باقر** را **پیامبر** صلی‌الله‌وآله‌وسلم بر **محمد بن علی** نهاد.
سپس **زید** از **جابر بن عبدالله** نقل کرده که **پیامبر** صلی‌الله‌وآله‌وسلم از عمر طولانی **جابر** تا نایل شدن به دیدار فرزندشان «**باقر**» خبر داده و از او خواسته بود که چون آن فرزند را دید **سلام** پیامبر را به او برساند.
در این روایت از زبان **پیامبر** صلی‌الله‌وآله‌وسلم وجه این نام‌گذاری نقل شده است: **يَتَقَرُّ الْعِلْمَ يَقْرَأُ**. [۸۹]
ابن بابویه [۹۰] نیز همین روایت **جابر** را با اندکی تفاوت با **سند** از **جابر بن یزید جعفی** آورده که **جابر بن یزید** این توضیح را افزوده بوده است: **لَا تَهَ بَقَرَّ الْعِلْمَ، أَيْ شَقَّهُ شَقًّا**. [۹۱]
شیخ مفید نیز این روایت را آورده است.

← نظر ابن عماد

ابن عماد [۹۲] آن حضرت را از فقهای مدینه بر شمرده که به سبب دانش فراوان و شناختن ریشه و درون آن، او را **باقر** خوانده‌اند.

← نظر ابن خلکان

ابن خلکان، [۹۳] **صَدَقَ** [۹۴] و **ذَهَبِي** [۹۵] نیز همین توضیح را آورده‌اند.

← نظر ابن منظور

ابن منظور نیز ذیل ماده «**بقر**» گفته است که به **محمد بن علی بن حسین**، **رضوان‌الله‌علیهم**، از آن‌رو **باقر** گفته می‌شد که **علم** را می‌شکافت و ریشه آن را شناخته بود و فروع آن را **استنباط** می‌کرد و در دانش «**تبقّر**» می‌نمود.
سپس می‌گوید: «**تبقّر**» به معنای توسعه در دانش و مال آمده است.

← نظر زبیدی

مرتضی زبیدی نیز ذیل ماده «**بقر**» روایت **جابر** را از **پیامبر** صلی‌الله‌وآله‌وسلم در باره آن حضرت نقل کرده است.

← فقه و حدیث حضرت

زمان امام باقر علیه‌السلام، یعنی دهه‌های آخر قرن اول و دهه‌های اول و دوم قرن دوم هجری، زمان ظهور فقهای بزرگ مخصوصاً در مدینه بود. در این دوران، مسلمانان که از فتوحات خارجی و جنگ‌های داخلی تا حدودی فراغت یافته بودند (و فقط خوارج و برخی شورشیان، خراسان و مناطقی دیگر را در ناآرامی نگاه داشته بودند) از اطراف و اکناف سرزمین‌های اسلامی برای فراگرفتن احکام الهی و فقه اسلامی به مدینه، که شهر حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اصحاب و تابعان ایشان بود، روی می‌نهادند.

فقا و محدثان بزرگی از جمله سعید بن مسیب (متوفی ۹۴)، عروه بن زبیر (متوفی ۹۴)، خارجه بن زید بن ثابت (متوفی ۹۹)، ربیعۃ الرأی (متوفی ۱۲۶)، سفیان بن عثیمه و محمد بن شهاب زهری (متوفی ۱۲۴) در این شهر جمع بودند.

به خصوص که منع کتابت حدیث در زمان عمر بن عبدالعزیز لغو شده بود. [۹۶]

در این دوران شکوفایی فقه و حدیث بود که دانش و معرفت امام باقر علیه‌السلام و نیز فرزند او امام صادق علیه‌السلام، بر همگان آشکار شد و اصول و مبانی کلام و فقه و سایر معارف دینی شیعه، که این دو امام بیش از همه مبنای آن بودند، تدوین و توسط راویان و شاگردان ایشان به عالم پراکنده شد. بسیاری از مجتهدان و مؤسسان مذاهب فقهی دیگر از این دو امام فیض برده‌اند و به همین جهت، رایج شدن لقب «باقر» برای امام پنجم، که لقبی کاملاً علمی است، بسیار پر معنی است.

← نظر نسایی

نسایی از محدثان بزرگ اهل سنت آن حضرت را از «فقهای بزرگ تابعین» در مدینه شمرده است [۹۷] و به گفته او، همه حافظان حدیث در استناد و احتیاج به قول آن حضرت اتفاق دارند.

← نظر ذهبی

ذهبی [۹۸] او را جامع مقام علم و عمل و بزرگی و شایسته مقام خلافت دانسته است.

← نظر شیخ مفید

شیخ مفید [۹۹] در باره جایگاه علمی آن حضرت می‌نویسد که بازماندگان صحابه و بزرگان تابعان و رؤسای فقهای مسلمانان از آن حضرت در مسایل دینی روایت کرده‌اند.

به نوشته او، امام اخبار پیشینیان و پیامبران را روایت می‌کرد. مردم از او در باب مغازی و سیرت و سنت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حدیث می‌آموختند و در مناسک حج، که از پیامبر نقل می‌کرد، بر او اعتماد داشتند و از ایشان تفسیر قرآن بر می‌نوشتند.

← نظر عبدالله مکی

از عبدالله بن عطاء مکی نقل شده است که دانشمندان را در هیچ مجلسی کوچک‌تر از آن ندیده‌ام که در محضر ابوجعفر دیده‌ام؛ حکم بن عثیمه (از فقهای بزرگ کوفه، متوفی ۱۱۵) [۱۰۰] را در پیشگاه او به سان شاگردی نزد استاد دیدم. [۱۰۱][۱۰۲][۱۰۳] سبط ابن جوزی [۱۰۴] این مطلب را به عطا نسبت داده که ظاهراً خطا در نقل یا در کتابت است. سید محسن امین [۱۰۵] نیز این اختلاف را یادآوری کرده است.

راویان امام باقر (علیه‌السلام)

ابونعیم، ذهبی و ابن شهر آشوب شماری از محدثان و فقها را به عنوان راویان امام باقر علیه‌السلام نام برده‌اند، که از آن جمله‌اند: اوزاعی (متوفی ۱۵۱)، اعمش (متوفی ۱۴۴)، ابن جریج (متوفی حدود ۱۵۰)، عطاء بن ابی رباح (متوفی ۱۱۴ یا ۱۱۵)، حجاج بن ارقطه، ربیعۃ الرأی، عمرو بن دینار (متوفی ۱۲۶)، محمد بن شهاب زهری، جابر بن عبدالله انصاری (متوفی ۷۸)، ابواسحاق سبیعی (متوفی ۱۲۷)، عبدالرحمن بن کیسان الاعرج، ابوبکر لیث بن سلیم کوفی (متوفی ۱۲۸ یا ۱۴۲) و ابوحنیفه نعمان بن ثابت (متوفی ۱۵۰).

بنا بر این، عبارت ابن سعد [۱۰۶] که ضمن اذعان به مقام علمی امام باقر علیه‌السلام (و کان ثقة کثیر العلم)، گفته است: راویان آن حضرت کسانی نیستند که مقبولیت داشته باشند (لیس یروی عنه من یحتج به)، قابل تأمل و شگفت انگیز است (رجوع کنید به دنباله مقاله). در کتاب‌های رجال شیعه نام‌های راویان امام باقر علیه‌السلام ثبت شده و از جمله شیخ طوسی [۱۰۷] آنها را بر اساس حروف تهجی ذکر کرده که بالغ بر ۴۶۶ تن می‌شود.

البته با تتبع در اسانید روایات، ممکن است بر شماری بیش از این دست یافت، همچنانکه احتمال دارد برخی از این نام‌ها به اصحاب امام جواد علیه‌السلام بر می‌گردد.

برخی از راویان آن حضرت، مانند جابر بن یزید جعفی، عبدالله بن عطاء مکی و ابان بن تغلب از نظر محدثان اهل سنت نیز محترم بوده‌اند.

یاران خاص امام باقر (علیه‌السلام)

در این میان، یاران و پروردگان خاص مکتب امام باقر علیه‌السلام که ناشر و مبین آراء و اقوال آن حضرت بوده‌اند، جایگاه ویژه‌ای دارند. از معروف‌ترین آنان علاوه بر جابر بن یزید و ابان بن تغلب، می‌توان از کسانی چون ابوحمره ثمالی، خمران بن اعین، محمد بن مسلم ثقفی، زرارة بن اعین، معروف بن خربوذ، بُزید العجلی، ابوبصیر اسدی و فضیل بن یسار نیز نام برد.

به ابوحمره ثمالی کتاب‌هایی در حدیث و تفسیر نسبت داده شده و گروهی از بزرگان اهل سنت از او اخذ حدیث کرده‌اند.

جابر بن یزید که به گفته خود فقط ۷۰،۰۰۰ حدیث از امام باقر علیه‌السلام فرا گرفته بود [۱۰۸] از آن حضرت غالباً با عنوان «وصی الاوصیاء و وارث علم الانبیاء» یاد می‌کرد. [۱۰۹]

همچنین از محمد بن مسلم روایت شده که از امام باقر علیه‌السلام در باره ۳۰،۰۰۰ مطلب سؤال کردم. [۱۱۰][۱۱۱][۱۱۲]

در میان عالمان شیعه شش نفر اخیر از داناترین دست‌پروردگان امام باقر علیه‌السلام و فرزندش، حضرت صادق علیه‌السلام شناخته شده‌اند و زُراه برترین آنهاست. [۱۱۳]

از آنها و دوازده تن دیگر اصطلاحاً به عنوان اصحاب اجماع یاد می‌شود.

احادیث امام باقر (علیه‌السلام)

مطالب منقول از امام باقر علیه‌السلام در **صحاح و سنن اهل سنت** اندک است [۱۱۴] مثلاً **بخاری** فقط سه حدیث در باب غسل را از آن حضرت نقل کرده که از جابر بن عبدالله روایت کرده بوده‌اند. [۱۱۵][۱۱۶] اما در متون حدیثی و فقهی شیعه، اعم از **امامیه و اسماعیلیه**، [۱۱۷] بالاترین رقم حدیث به این امام و فرزندش اختصاص دارد.

← عِلل کم بودن احادیث

علت اصلی کم بودن احادیث امام باقر علیه‌السلام، و به طور کلی **امامان شیعه** در کتاب‌های اهل سنت، چند چیز است. از جمله بیش‌تر روایان این احادیث، **شیعیان**، و به تعبیر اهل سنت رافضیان، بوده‌اند؛ و حال آن‌که به نقل روایت از قول رافضه، اعتراضی و آن را منع کرده‌اند. [۱۱۸] دیگر این‌که امام باقر علیه‌السلام بسیاری از مطالب دینی و احکام فقهی را بی آن‌که به صورت حدیث به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نسبت دهد، بیان می‌کرده است، و این از نظر شیعیان کاملاً پذیرفته است. زیرا امام باقر علیه‌السلام را امام **معصوم** و جانشین پیامبر می‌دانند که دانش او به واسطه پدرانیش به پیامبر می‌رسیده است. حتی بنا بر یک روایت [۱۱۹][۱۲۰] آن حضرت گفته است که من همه آنچه را که می‌گویم به واسطه پدرانم از حضرت **پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم** روایت می‌کنم که ایشان آن را از **فرشته وحی** و او آن را از **خدا** دریافت کرده است. اما نویسندگان کتب حدیث اهل سنت فقط منقولات از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صحابه را نقل می‌کرده‌اند و بالتبع منقولاتشان از امامان شیعه بسیار اندک بوده است.

← نوع روایات نقل شده

گفتنی است که تعداد زیادی روایت نیز از امام باقر علیه‌السلام نقل شده که ایشان به واسطه پدرانیش از پیامبر نقل کرده است. روایات منقول از امام باقر علیه‌السلام در کتب اهل سنت غالباً از این دست است. مثلاً **احمد بن حنبل** در، قسمت راجع به **علی بن ابی‌طالب**، [۱۲۱] هفت حدیث نقل کرده که امام پنج تای آنها را از پدران خود و دو تا را از **محمد بن حنفیه** روایت می‌کند. [۱۲۲][۱۲۳][۱۲۴][۱۲۵] همچنین **حاکم نیشابوری** از ایشان ده حدیث نقل کرده که هفت مورد آن را به واسطه پدران خود روایت کرده است. [۱۲۶][۱۲۷][۱۲۸][۱۲۹][۱۳۰][۱۳۱][۱۳۲][۱۳۳][۱۳۴][۱۳۵]

← نقل امام از افراد

البته در برخی از کتاب‌های اهل سنت نام کسانی چون **ابن عباس**، **ابوسعید خدری**، **سعید بن مسیب** و **جابر بن عبدالله انصاری** (از جمله به این منبع رجوع کنید [۱۲۶]) به عنوان مشایخ حدیثی امام باقر علیه‌السلام ذکر شده و نشان می‌دهد که امام از آنها نقل حدیث کرده است. اما محققان امامیه بر اساس این **اعتقاد** که امامان شیعه علوم خود را فقط از طریق منابع وحیانی کسب می‌کرده‌اند، توضیح داده‌اند که نقل امام از این افراد، بر فرض صحت، بنا بر مصالحی بوده است. [۱۲۷] بنا بر بررسی **ذهبی** [۱۲۸] در **صحاح سنّه**، امام باقر علیه‌السلام به جز پدرش **امام سجّاد** علیه‌السلام فقط از **عبدالله بن عمر** و **جابر انصاری** روایت کرده است. با این‌همه به کم نقل شدن احادیث روایت شده از امام باقر علیه‌السلام و دیگر امامان **اهل بیت** پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در کتب صحاح و سنن اهل سنت، انتقاد شده است.

← موضوعات احادیث امام

آنچه از امام باقر علیه‌السلام روایت شده در همه زمینه‌های **علوم اسلامی** است، اعم از تفسیر و **علوم قرآنی**، فقه، کلام، **اخلاق**، **تاریخ**، **سیره** و مسائل نظام **آفرینش** که گاهی برخی از شاگردان آن حضرت آنها را به صورت کتاب مستقلی تدوین کرده‌اند.

← تفسیر منسوب به امام

این **ندیم** [۱۲۹] کتابی را در تفسیر به امام باقر علیه‌السلام نسبت می‌دهد که **ابوالجارود** از او و ابوبصیر اسدی از ابوالجارود روایت کرده است. این تفسیر در **کتب رجال** و حدیث بیش‌تر به **تفسیر ابوالجارود** مشهور است، ولی چنان‌چه **نجاشی** [۱۴۰] نیز تصریح کرده، از امام باقر علیه‌السلام روایت شده است. **آقابزرگ طهرانی** [۱۴۱][۱۴۲] احتمال داده که این تفسیر، املاء امام بر ابوالجارود بوده است. اعتماد بزرگانی از محدثان و دانشمندان نیز شاهدهی بر صحت منقولات آن است. یکی از شاگردان **علی بن ابراهیم قمی** روایات این تفسیر را در **تفسیر علی بن ابراهیم** درج کرده و البته، به استنباط آقابزرگ طهرانی [۱۴۳] این شخص، که انگیزه اصلی او افزودن منقولات از امام باقر علیه‌السلام به تفسیر علی بن ابراهیم بوده است، به گونه‌ای عمل می‌کرده که بین روایات دو تفسیر تفکیک شود و خوانندگان به خطا نیفتند.

اهداف حلقه‌های درسی امام باقر (علیه‌السلام)

پیدایش **مذاهب کلامی** چون **مُرحنه** و **معتزله** و **خوارج**، و آشنایی مسلمانان با آراء ادیان دیگر، و حضور پراکنده پیروان **ادیان** در میان **مسلمانان**، و ظهور اختلافات فقهی بر اثر عدم دسترسی فقهای متأخر به **سنت نبوی** به سبب ممنوعیت طولانی روایت و **کتابت حدیث** [۱۴۴] و انحرافات عملی و فکری سران سرزمین اسلامی از تعالیم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و توجیه حکومت **امویان**، از طریق ارائه ناقص و تحریف شده **تعالیم اسلام**، از مهم‌ترین وقایع دوران امام باقر علیه‌السلام بود.

گذشته از این، آن دسته از صحابه و تابعان که به پیروی از **امام علی** علیه‌السلام و جانشینان او معتقد بودند، یا به دست حاکمان اموی کشته شده یا بدون امکان انتقال دانسته‌های خود به نسل بعد درگذشته بودند.

این خلا از یک سو راه هر نوع اقدام را برای امام باقر علیه‌السلام دشوار ساخته و از سوی دیگر راه را برای **جاعلان حدیث** و **غالیان** هموار کرده بود. مراقبت‌های پنهانی مأموران حکومت اموی از **آل علی** و امام باقر علیه‌السلام، به فرد شاخص این خاندان، تهدیدی جدی برای تلاش‌های آن حضرت به شمار می‌رفت.

در این شرایط، امام به عنوان عالمی که دانش خود را از طریق پدرانیش از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دریافت، حلقه‌های درسی بزرگی را در مدینه تشکیل داد. او در این کار چهار هدف عمده را پی گرفت:

← عرضه دیدگاه‌های اسلامی

عرضه دیدگاه‌های اسلامی در همه زمینه‌ها، به خصوص در باره پرسش‌هایی که دانشمندان سایر ادیان مطرح می‌کردند. این مطالب هم سبب استواری ایمان پیروان دین می‌شد و هم غیرمسلمانان را به برتری اسلام معترف می‌کرد. بنا بر نقل مفید [۱۲۵] امام باقر علیه‌السلام با هر یک از پیروان عقاید گوناگون (اهل الراء) که بر او وارد می‌شد، مناظره می‌کرد و مردم مطالب بسیاری را در علم کلام از او فرا گرفتند. اشاره به «اهل آراء» در کلام مفید حایز اهمیت است. در روزگار امام باقر علیه‌السلام گرایش‌ها و مذاهب مختلف کلامی پدید آمد و نیز پیروان ادیان دیگر در سرزمین‌های اسلامی زندگی می‌کردند و میان ایشان و مسلمانان برخوردهای فکری روی می‌داد. بدین طریق، پرسش‌ها و بحث‌های کلامی مطرح می‌شد و حضرت باقر علیه‌السلام، گذشته از مقام امامت و زعامت شیعیان، به عنوان یکی از دانشمندان بزرگ زمان خود، که همه دانشمندان اسلامی به برتری علمی او معترف بودند، به پرسش‌ها پاسخ می‌گفت و در بحث‌ها شرکت می‌جست. به همین دلیل، موضوع بسیاری از احتجاجات آن حضرت و نیز احادیثی که از ایشان روایت شده، مسائل کلامی است و آنچه امام در این باره فرموده، هم اساس اعتقادات شیعه را تشکیل می‌دهد و هم در دیدگاه‌های کلامی مسلمانان اثر جدی داشته است.

← روشن‌گری درباره انحرافات

روشن‌گری نسبت به اشتباهات و انحرافات فقهی و کلامی و تفسیری و تاریخی و اخلاقی که با وابستگیان حکومت اموی آن را پدید آورده بودند و یا از عدم اتصال به سنت نبوی ناشی می‌شد. بنا بر این، بیشتر مطالب امام علیه‌السلام به ابوابی از علوم اسلامی اختصاص یافته که در جامعه اسلامی به صورت نادرست عرضه و به کار بسته می‌شده است. بر همین اساس، گفته شده که شمار زیادی از روایات منقول از امام باقر علیه‌السلام، و نیز سایر امامان شیعه، در حکم تعلیقه یا نقد فقه و کلام و سایر علوم اسلامی متداول در روزگار آنان بوده است، به طوری که در موارد زیادی فهم درست بیانات این امامان بدون آگاهی از نظریات سایر مذاهب اسلامی تا حدی دشوار است. [۱۴۶]

← گشایش ابواب علمی غیرمطرح

گشایش ابوابی از معرفت دینی که حاکمان آن روز جامعه اسلامی از طرح آن‌ها جلوگیری کرده بودند و آگاهی مردم از آن‌ها سلطه نظام حاکم سیاسی را متزلزل می‌کرد. [۱۴۷] در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که امویان مردم را در آموزش مباحث ایمان آزاد گذاشتند، اما فراگیری آنچه را به شرک بر می‌گشت منع کردند، تا اگر مردم را به کارهای شرک آمیز وادارند (ناروایی) آن را در نیابند. به نظر می‌رسد که وجود همین تعالیم، علاوه بر بیانات صریحی که رویارویی با حکام و وابستگیان آن‌ها را توصیه می‌کرده، یکی از مهم‌ترین عوامل مقاومت روانی پیروان این مذهب در برابر جریانات سیاسی حاکم بر جوامع اسلامی بوده باشد.

← پرورش دانشمندان اسلامی

گزینش و پرورش گروهی از دانشمندان اسلامی بر مبنای دیدگاه‌های امام باقر علیه‌السلام، و گسیل کردن آنان به شهرهای بزرگ اسلامی به منظور ارائه درست نظریات آن حضرت، و در نتیجه خنثی کردن تبلیغات دراز مدت امویان در معرفی اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، و نیز نفی گرایش‌های غلو آمیز برخی از پیروان اهل بیت، برخورد صریح و قاطع با غالیان و اظهار بیزارگی از سران آنان، از جمله مغیره بن سعید و بیان بن سمرعان (هر دو مقتول در ۱۱۹) جزو اقدامات مهم ایشان به شمار می‌رود. [۱۴۸]

مناظرات امام باقر (علیه‌السلام)

آن حضرت برای دست‌یابی به هدف‌ها و نیز اجرای مقاصد دیگری که برخورد فرض می‌دید، گذشته از برپایی حلقه‌های متعدد درس عمومی و خصوصی، به مناظره با دانشمندان برجسته شهرهای اسلامی و پیشوایان فکری قریق مهم آن روزگار و عالمان سایر ادیان و برخی مدعیان راهبری معنوی مردم عنایت خاصی داشت. همچنین از مراسم حجّ برای گفتگو با مسلمانان مناطق مختلف اسلامی بهره فراوان می‌برد.

← مناظرات گردآوری شده

مجلسی، [۱۴۹] [۱۵۰] احمد بن علی طبرسی [۱۵۱] و امین [۱۵۲] شماری از مناظرات آن حضرت را گرد آورده‌اند.

← مناظرات مشهور

در میان مناظرات امام باقر علیه‌السلام از مناظره با پیشوای مسیحیان شام، قتاده بن دعامه (فقیه بزرگ بصره)، بزرگان کیسانیه، عمر بن ذر قاضی، نافع مولی ابن عمر و مهم‌ترین راوی سخنان وی، [۱۵۳] [۱۵۴] طاوس الیمانی و محمد بن منکدر از زهاد و تارکین دنیا، ابوحنیفه یکی از ائمه اهل سنت و عبدالله بن نافع از مدافعان تفکر خوارج می‌توان نام برد.

← بررسی مناظره با نافع

اما مناظره‌ای که مفید [۱۵۵] به آن حضرت نسبت داده، قابل تأمل است. این مناظره ظاهراً با نافع بن ازرق، رهبر فرقه ازارقه از خوارج، صورت گرفته و درباره مسئله حکمیت و جنگ صفین است و نافع در برابر اعتراض امام به روش خوارج در برخورد با امام علی علیه‌السلام و مباح دانستن خون آن حضرت، پاسخی نمی‌یابد. مشکل این روایت که مفید آن را بدون ذکر سند نقل کرده آن است که نافع در سال ۶۵ در واقعه دولاپ (در نزدیکی اهواز) به قتل رسیده است. [۱۵۶] امام باقر علیه‌السلام به هنگام گفتگو با او باید کمتر از هشت سال داشته باشد و این بعید می‌نماید، زیرا اگر چنین بود، قطعاً باید در شمار معجزات امام نیز از آن یاد می‌شد و حال آن‌که منابع مختلف در این باره سخنی نگفته‌اند. از سوی دیگر، کلینی [۱۵۷] با ذکر سند، مناظره‌ای را بین امام و نافع مولی ابن عمر نقل می‌کند که بخش انتهایی آن درباره خوارج و مسئله حکمیت است. این نافع که ایرانی تبار است و از فقه‌های بزرگ مدینه به شمار می‌رود، بنا بر قول اصحّ در ۱۱۷ درگذشته [۱۵۸] و به گفته مجلسی [۱۵۹] به خوارج متمایل بوده و با امام علی علیه‌السلام دشمنی می‌نموده است. علی بن ابراهیم قمی که همین مناظره را با همین سند در تفسیر خود (بنا بر نقل مجلسی [۱۶۰]) نقل کرده قسمت اخیر آن را در باره خوارج، نیاورده است و از نافع مذکور به صورت نافع بن ازرق یاد می‌کند. همچنین کلینی، [۱۶۱] در حدیثی دیگر با سند مشابه از شخصی به نام نافع بن ازرق نام برده است که از امام باقر علیه‌السلام در بحث خدانشناسی سؤال

کرده است.

این شخص نزد محققان علم رجال شناخته نیست، ولی **مامقانی** و **شوشتری** احتمال داده‌اند که او همان نافع مولی ابن عمر باشد، [۱۶۲] چنان‌که از تعبیر علی بن ابراهیم نیز چنین بر می‌آید، در هر صورت، مناظره آن حضرت یا نافع مولی ابن عمر، به اشاره **هشام بن عبدالملک**، انجام گرفته است که هیچ نسبتی با رهبر ازارقه ندارد.

و نیز مناظره امام باقر علیه‌السلام با عبدالله بن نافع به سند دیگری نقل شده و اتحاد آن با این مناظره بسیار بعید است، به خصوص که مناظره نخست در **مسجد الحرام** و مناظره دوم در **مدینه** روی داده است.

مواضع و اقدامات سیاسی امام باقر (علیه‌السلام)

← جایگاه اجتماعی امام

امام باقر علیه‌السلام که بارزترین شخصیت اهل بیت و از نظر شیعیان امام پنجم بود، طبعاً از نظر سیاسی بسیاری از مردم و مخالفان حکومت اموی به او روی آوردند و به همین جهت از سوی حکومت به شدت مراقبت می‌شد.

← تقیه امام

البته به سبب وضع خاصی که بعد از **شهادت امام حسین** علیه‌السلام پدید آمد، امام باقر علیه‌السلام بیش‌تر روش **تقیه** را پیش می‌گرفت و بیش‌تر به تبیین مبانی نظری خود در قالب درس می‌پرداخت. ازین‌رو و از آن‌جا که همه فعالیت‌ها و جزئیات زندگی آن حضرت در منابع تاریخی، ثبت نشده است، نمی‌توان اقدامات سیاسی چندانی از ایشان سراغ گرفت.

← مواجهه با هشام

با وجود این، چند خبر موجود نشان می‌دهد که امام باقر علیه‌السلام در مسایل سیاسی بر اساس ملاک‌ها و مبانی خود موضع‌گیری داشته و در برخورد با مسائل اجتماعی و سیاسی، به ارشاد پیروان و گاهی سران حکومت می‌پرداخته است. مثلاً در منابع [۱۶۲][۱۶۴][۱۶۵] آمده است که هشام بن عبدالملک در موسم **حج** در مسجد الحرام امام باقر علیه‌السلام را دید که در حال **طواف** است و مردم بر گردش حلقه زده از او سؤال می‌کنند.

این توجه و علاقه مردم نظر او را جلب کرد، از اطرافیان نام وی را پرسید و چون گفتند که او محمد بن علی است، شگفت زده، گفت: «همان که مردم **عراق** فریفته اویند» یا «امام مردم عراق!»،

در روایتی دیگر [۱۶۶] آمده است که هشام (گویا بعد از همین موسم حج) امام باقر علیه‌السلام را همراه با فرزندش حضرت **صادق** علیه‌السلام به شام فرا خواند.

امام هنگام ورود به مجلس او بر همه اهل مجلس یک‌جا **سلام** کرد، بر خلاف رسم متعارف، خلیفه اموی را **امیرالمؤمنین** خواند و بدون کسب اجازه نشست. هشام خشمگینانه زبان به **ملامت** گشود که چرا شما مردم را به امامت خود فرا می‌خوانید. حاضران در مجلس نیز بنا بر قرار قبلی همین شیوه را به کار گرفتند.

آن‌گاه امام صریحاً از جایگاه اهل بیت پیامبر در **دین** و این‌که آنان عهده دار هدایت مردمانند، سخن گفت، هم‌چنین به گذرا بودن **حکومت امویان** اشاره کرد. هشام ابتدا او را به **زندان** افکند، ولی بعد، ناگزیر به آزاد کردن و برگرداندن آنان به مدینه شد.

از این دو گزارش بر می‌آید که حرکت امام باقر علیه‌السلام در دعوت به سوی **امامت اهل بیت** و معرفی مقام و نقش آنان در دین و نیز نفی حقانیت خلافت اموی - که هشام از آن به ایجاد اختلاف در میان امت تعبیر کرده است - حرکتی گسترده و غیر قابل انکار بوده و لاقلاً در بخشی از سرزمین اسلامی تأثیر جدی گذاشته بوده است.

این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که مطرح کردن **مرجعیت علمی اهل بیت** پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - که امام باقر علیه‌السلام شخصیت برجسته ایشان در آن دوره بود - در حقیقت، به معنای تبیین جایگاه سیاسی آنان نیز بوده است و خلیفه اموی، یا امام باقر علیه‌السلام و یا دیگران، این دو را از یکدیگر جدا نمی‌دانسته‌اند.

← گزارش ابن ابی الحدید

در گزارش دیگری که **ابن ابی الحدید** [۱۶۷] نقل کرده است، امام به افشاگری کارهای امویان از ابتدا تا روزگار خود پرداخته و شیوه‌های حکام اموی را در بازداشتن مردم از گرایش به اهل بیت، ساختن **احادیث دروغین**، آزار رساندن به **شیعیان**، تخریب شخصیت امامان اهل بیت و به شهادت رساندن آنها آشکار کرده است.

امام در این گفتار از تاریخ سراسر رنج و ناملایم بعد از **رحلت پیامبر** صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سخن گفته، به دوره امامت **حضرت علی** علیه‌السلام و ضدیت‌های **معاویه** یا آن حضرت، دوران **امام حسن** علیه‌السلام و خیانت مردم به او که به **صلح** با معاویه منجر شد، دعوت مردم **کوفه** از امام حسین علیه‌السلام و پیمان شکنی آن‌ها اشاره، و از روایان دروغ‌پردازی که با دریافت مال به سود امویان **حدیث‌سازی** کردند، و نیز آزارهای گوناگونی که بر دست حکام اموی بر پیروانشان رفته، شکوه کرده است.

← گزارشات دیگر

انتقاد صریح امام از خلیفه اموی در برخی موارد و در حضور طرف‌داران او (از جمله به این منبع رجوع کنید [۱۶۸])، نهی برخی شیعیان از قبول مناصب رسمی از آن‌رو که ممکن است در اقدامات نابه‌جای حاکمان ظالم شریک شوند [۱۶۹] و تکریم او از برادرش **زید** [۱۷۰] نیز از جمله گزارش‌هایی است که در دست است.

← پرهیز از اقدام سیاسی عمومی

با این‌همه آن حضرت از هر گونه اقدام سیاسی عمومی پرهیز می‌کرد و به پیروان نزدیک خود می‌گفت که اعتماد کافی به مردم عراق ندارد. هنگامی که **نبرد عجلی** از بسیاری شیعیان در عراق و آمادگی آن‌ها برای فرمان‌برداری از امام سخن گفت، آن حضرت ضمن تأیید کثرت شیعیان عدم **اعتماد** خود را به آن‌ها بیان و تصریح کرد که هنوز شرط لازم برای **فداکاری** در راه حق را احراز نکرده‌اند. [۱۷۱]

← راهنمایی حاکمان اموی

به علاوه، هر جا که مصلحت امت ایجاب می‌کرد از راهنمایی حاکمان اموی نیز دریغ نداشت؛ توصیه او به **عبدالملک مروان** برای **ضرب سکه** به جای استفاده از سکه‌های رومی، در پاسخ به تهدید امپراتور روم، در برخی منابع نقل شده است.

نکته جالب توجه در این ماجرا آن است که **عبدالملک** نه از روی رغبت، از روی ناچاری حضرت باقر علیه‌السلام را با احترام به شام آورد و آن حضرت نیز با تأکید بر حقانیت اسلام او را راهنمایی کرد. [۱۷۲][۱۷۳]

امامت امام باقر(علیه‌السلام) در میان شیعیان

از منابع راجع به فرق اسلام و فرق شیعی مانند کتاب‌های **علی بن اسماعیل اشعری** ، [۱۷۴] **سعد بن عبدالله اشعری** [۱۷۵] و **نوبختی** [۱۷۶] و نیز متون حدیث و آثار کلامی **امامیه** بر می‌آید که در میان شیعیان نسبت به امامت حضرت باقر علیه‌السلام اختلاف اساسی وجود نداشته است و فقط گروهی اندک بعدها از امامت او برگشته و به **بترتبه** پیوسته بودند. [۱۷۷]
این امر اساساً از دیدگاه شیعه به مسئله امامت ناشی می‌شود که آن را همانند **نبوت** منصبی الهی می‌دانند و در اثبات آن به **نصّ جلیّ**، تصریح بر **عصمت** و صدور **معجزه** و **کرامت** استناد می‌کنند.
بنا بر این، اکثریت مسلمانان آن روز که برای اثبات جانشینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و زعامت مسلمانان به ملاک‌هایی دیگر چون **شورا**، انتخاب **اهل حلّ و عقد** و **اجماع** مردم مدینه معتقد بودند، هیچ‌گاه امامت امام باقر علیه‌السلام را مگر در مقام بیان شایستگی‌های آن حضرت، مطرح نمی‌کرده‌اند.

← مخالفان امامت حضرت از شیعیان

← کیسانیه

در میان شیعیان نیز بعد از شهادت امام حسین علیه‌السلام گروهی به نام **کیسانیه محمد بن حنفیه** را امام خواندند و سپس مدّعی زنده بودن و غیبت او شدند. [۱۷۸][۱۷۹][۱۸۰]

← سرحوبیه

سرحوبیه نیز گروهی دیگر بودند که امامت را در فرزندان امام حسن یا امام حسین علیهما‌السلام بدون تعیین و معرفی، مستمر دانستند. این‌ها چندان نپاییدند و در **قیام زید** به او پیوستند. [۱۸۱][۱۸۲]

← زیدیه

در این میان بیشترین افراد شیعه معتقد به امامت حضرت علی بن الحسین علیه‌السلام شدند و بعد از وفات او به فرزندش امام باقر علیه‌السلام گرویدند. اما **زیدیه** که خود را پیرو زید بن علی بن الحسین می‌دانند، گذشته از این‌که در دو دوره متأخر بر زمان امام باقر علیه‌السلام و زید شکل گرفته‌اند (زید هرگز داعیه امامت نداشته است [۱۸۳][۱۸۴]) اساساً با دیدگاه‌های شیعه توافق ندارند.
آن‌ها به **نصّ** بر امامت و تصریح بر عصمت معتقد نیستند و زید را از آن‌رو که «**قیام به سیف**» کرد، امام می‌دانند.
به این ترتیب، با ملاک‌های شیعی برای امامت، فرد دیگری جز ابو‌جعفر محمد بن علی بن الحسین به جانشینی امام چهارم معرفی نشده و هیچ‌یک از برادران او ادّعی امامت نداشته است.
این اختلاف نسبت به برخی از امامان پیش آمده است.

← ولد الحسن

البته از برخی احادیث می‌توان دریافت که شماری از فرزندان **امام مجتبی** علیه‌السلام (**وُلد الحسن**) مدّعی امامت و سرپرستی اهل بیت بوده و از قبول امامت حضرت باقر علیه‌السلام با آن‌که به مقام او اقرار داشته‌اند، تن می‌زده‌اند. [۱۸۵][۱۸۶]

← احادیث اثبات امامت حضرت

برای اثبات امامت حضرت باقر علیه‌السلام، به چندین **حدیث معتبر** از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امام‌های پیشین، خصوصاً امام سجاد علیه‌السلام، استناد شده و حتی برخی از متکلمان آن‌ها را **متواتر** خوانده‌اند. [۱۸۷]
در این احادیث هم به عصمت آن حضرت و هم به امامت او تصریح شده است. [۱۸۸][۱۸۹][۱۹۰][۱۹۱]
برخی [۱۹۲][۱۹۳] با توجّه به این احادیث، ضمن یادآوری دیدگاه زیدیه در باره امامت و تفاوت آن با نظرگاه شیعی، امامت زید بن علی را که نصّی بر عصمت او وجود ندارد، نفی کرده‌اند.

← دلایل کلامی امامت حضرت

گذشته از **نصّ** بر عصمت و امامت، در کتاب‌های کلامی به دانش فراوان امام باقر علیه‌السلام - که هرگز مورد رد و انکار نشد - استناد شده و بروز معجزات و کرامات **مرگ** یا **قتل** او را **انکار** و ادّعا می‌کردند که وی از دیده‌ها پنهان شده و همان **مهدی** است که خروج خواهد کرد.
آنچه **اربلّی** [۲۰۱] به نقل از **حمیرک** از **ابوبصیر** در شمار معجزات امام باقر علیه‌السلام روایت کرده و مجلسی نیز [۲۰۲] به پیروی از او همین کار را انجام داده، متضمّن چند اشتباه تاریخی است و به ظنّ قوی، راجع به امام صادق علیه‌السلام می‌شود.

فرق شیعه بعد از امام باقر (علیه‌السلام)

بعد از وفات امام باقر علیه‌السلام جز اکثریت پیروان او که امامت حضرت صادق علیه‌السلام را پذیرفتند.

← پیروان نفس زکیه

گروهی به امامت محمد بن عبدالله بن حسن معروف به **نفس زکیه** (مقتول در ۱۴۵) معتقد شدند. اینان **مرگ** یا **قتل** او را **انکار** و ادّعا می‌کردند که وی از دیده‌ها پنهان شده و همان **مهدی** است که خروج خواهد کرد.
مُغیره بن سعید از مبلغان این نظر بود و حتّی برخی او را امام بعد از حضرت باقر علیه‌السلام می‌دانستند که پس از او امامی نخواهد آمد تا محمد بن عبدالله بن الحسن خروج کند.

گروهی نیز به ابومنصور عجلی پیوستند و او را جانشین امام باقر علیه‌السلام خواندند. [۲۰۳][۲۰۴][۲۰۵][۲۰۶]

← باقریه

برخی از نویسندگان متأخر، از جمله **بغدادی** [۲۰۷] و شهرستانی [۲۰۸] از فرقه‌ای به نام **باقریه** یاد کرده‌اند که پس از امام باقر علیه‌السلام فرد دیگری را به امامت پذیرفته‌اند. بغدادی از باره این گروه می‌نویسد که آن‌ها ابوجعفر محمد بن علی را مهدی منتظر می‌دانند و در اثبات ادعای خود به حدیث معروف جابر از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استدلال می‌کنند. به موجب این حدیث، که پیشتر نیز به آن اشاره شد، پیامبر به جابر خبر داده بود که محمد بن علی را خواهد دید و از او خواسته بود که سلام او را به وی برساند. بغدادی از قول آنان نوشته است که سلام رساندن پیامبر به حضرت باقر علیه‌السلام دلالت بر **مهدویت** او می‌کند. وی سپس این استدلال را رد کرده و مسلم بودن وفات امام باقر علیه‌السلام را نیز شاهد بر نادرستی آن ادعا دانسته است. صدقی [۲۰۹] نیز همین مطالب را آورده است. اما شهرستانی باقریه را معتقدان به **رجعت** حضرت باقر می‌داند و آن‌ها را از آنجا که آن حضرت را آخرین امام خوانده‌اند، با وصف «واقفه» (توقف کنندگان) یاد می‌کند. با این‌همه، مهم این است که در مآخذ شیعی یا منابع متقدم ملل و نحل، فرقه‌ای به این نام ذکر نشده و معلوم نیست که این نام از کی و بر چه اساسی وارد کتاب‌های ملل و نحل متأخر شده است.

رابطه امام باقر (علیه‌السلام) و شیعیان

شاگردان و پیروان امام باقر علیه‌السلام از جهات گوناگون اختلاف مرتبت داشتند. اوضاع خاص اجتماعی - سیاسی و وجود مخالفانی با انگیزه‌های مختلف، پای‌داری شیعیان را بر اعتقاد خود دشوار کرده بود تا آنجا که برخی از آن‌ها به دستاویز موضوعی بی اهمیت، دچار دودلی شدند و از امامت آن حضرت برگشتند. [۲۱۰] در این شرایط، آن حضرت از تربیت کسانی که ضمن پای‌داری بر اعتقاد شیعی بتوانند مبین و مدافع آرای شیعی در جامعه اسلامی باشند، به هیچ روی فروگذاری نمی‌کرد و به خصوص نسبت به کسانی چون **محمد بن مسلم**، **زرارة بن اعین**، **حمران بن اعین** و **فضیل بن یسار** که از فرصت‌های مختلف برای فراگیری دانش‌های اسلامی از امام باقر علیه‌السلام بهره می‌جستند و در نشر آن‌ها می‌کوشیدند، تقدیر می‌کرد و با این‌همه از آنان می‌خواست که همه آموخته‌های خود را به هر کسی نگویند و خصوصاً مراقب مأموران دستگاه خلافت باشند. [۲۱۱][۲۱۲][۲۱۳][۲۱۴] همچنان‌که فرزندش حضرت صادق علیه‌السلام نیز از آن‌ها به نیکی یاد می‌کرد و آن‌ها را احیاکنندگان آثار پدرش می‌خواند. [۲۱۵] امام همچنین شاعرانی چون **کُمیت** را که با سرودن اشعار در نشر افکار شیعه تلاش می‌کردند، تشویق می‌کرد. [۲۱۶][۲۱۷] به این ترتیب بود که اقدامات و روش‌های مختلف امام باقر علیه‌السلام به شکل‌گیری مجدد جامعه شیعی انجامید.

عناوین مرتبط

• امام علی علیه‌السلام • امام حسن علیه‌السلام • امام حسین علیه‌السلام • امام سجاد علیه‌السلام • امام صادق علیه‌السلام • امام کاظم علیه‌السلام • امام رضا علیه‌السلام • امام علی النقی • امام علی علیه‌السلام • امام حسن عسکری علیه‌السلام • امام مهدی علیه‌السلام

فهرست منابع

- (۱) محمدحسن آقابزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۲.
- (۲) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، چاپ مجد ابوالفضل ابراهیم، (مصر) ۱۳۸۵-۱۹۶۵/۱۳۸۷-۱۹۶۷.
- (۳) ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، بیروت ۱۳۹۹-۱۹۷۹/۱۴۰۲-۱۹۸۲.
- (۴) ابن بابویه، علل الشرایع، نجف ۱۳۸۵.
- (۵) ابن جوزی، صفة الصفوة، بیروت ۱۳۹۹/۱۹۷۹.
- (۶) ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، بیروت ۱۳۹۰/۱۹۷۱.
- (۷) ابن حجر هیتمی، الصواعق المخرفة فی الرد علی اهل البدع والزندقة، چاپ عبدالوهاب عبداللطیف، قاهره ۱۳۸۵/۱۹۶۵.
- (۸) ابن حنبل، مسند، استانبول ۱۹۸۲/۱۴۰۲.
- (۹) ابن خلکان، وفيات الاعیان و انباء انباء الزمان، چاپ محمدحی الدین عبدالحمید، قاهره ۱۹۴۸-۱۹۴۹.
- (۱۰) ابن سعد، کتاب الطبقات الکبیر، چاپ ادوارد سخو، لیدن ۱۳۳۱-۱۳۴۷.
- (۱۱) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، چاپ هاشم رسولی مخلاتی، قم (۱۳۷۹).
- (۱۲) ابن عساکر، ترجمة الامام زین العابدین علی بن الحسین علیه‌السلام و تلیها ترجمة ابنه الامام مجدالباقر علیه‌السلام من تاریخ مدینة دمشق، چاپ مجدباقر محمودی، تهران ۱۴۱۳.
- (۱۳) ابن عماد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، بیروت ۱۳۹۹/۱۹۷۹.
- (۱۴) ابن قتیبه، کتاب عیون الاخبار، بیروت (بی تا).
- (۱۵) ابن منظور، لسان العرب، بیروت ۱۹۵۵-۱۹۵۶.
- (۱۶) ابن ندیم، کتاب الفهرست، چاپ رضا تجدد، تهران ۱۳۵۰ ش.
- (۱۷) احمد بن عبدالله ابونعیم، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، بیروت ۱۳۸۷/۱۹۶۷.
- (۱۸) علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الائمة، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱.
- (۱۹) سعد بن عبدالله اشعری، کتاب المقالات و الفرق، چاپ مجدجواد مشکور، تهران ۱۳۶۱ ش.
- (۲۰) علی بن اسماعیل اشعری، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، چاپ مجد محی الدین عبدالحمید، (بی جا) ۱۴۰۵/۱۹۸۵.
- (۲۱) محسن امین، اعیان الشیعه، بیروت ۱۳۹۲/۱۴۰۲.
- (۲۲) مجد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، استانبول ۱۹۸۱.
- (۲۳) عبدالقاهر بغدادی، الفرق بین الفرق، چاپ مجد محی الدین عبدالحمید، بیروت (بی تا).
- (۲۴) احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، بیروت ۱۳۹۷/۱۹۷۷.
- (۲۵) علی بن یونس بیاضی، الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم، چاپ مجدباقر بهبودی، تهران ۱۳۸۴.
- (۲۶) ابراهیم بن مجد بیهقی، المحاسن و المساوی، چاپ مجد ابوالفضل ابراهیم، قاهره (تاریخ مقدمه ۱۹۶۱/۱۳۸۰).
- (۲۷) مجدتقی تستری، قاموس الرجال، قم ۱۴۱۰.

- (٢٨) مجد بن عبدالله حاكم نيشابوري، المستدرک على الصحیحین، بیروت (بی تا).
- (٢٩) مجد بن حسن حر عاملی، اثبات الهداة بالفصوص و المعجزات، چاپ هاشم رسولی، ج ٥، با شرح و ترجمه فارسی احمد جنتی، تهران ١٣٥٧ ش.
- (٣٠) مجد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، چاپ عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت ١٤٠٢/١٩٨٣.
- (٣١) مجد بن موسی دمیری، حیاة الحیوان الکبری، چاپ افست قم ١٣٤٤ ش.
- (٣٢) مجد بن احمد ذهبی، سیر اعلام النبلاء، بیروت ١٤٠٢/١٤٠٩/١٩٨٣.
- (٣٣) مجد بن احمد ذهبی، الکشاف فی معرفة من له رواية فی الکتب السنّة، چاپ عزت علی عید عطیه و موسی مجد علی موشی، قاهره ١٩٧٢/١٣٩٢.
- (٣٤) محمود بن عمر زمخشري، ربیع الأبرار و نصوص الاخبار، چاپ سلیم نعیمی، قم ١٤١٠.
- (٣٥) سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، بیروت ١٩٨١/١٤٠١.
- (٣٦) مجد بن عبدالکریم شهرستانی، کتاب الملل والنحل، چاپ افست قم ١٣٤٤ ش.
- (٣٧) خلیل بن ایبک صفدی، کتاب الوافی بالوفیات، و بیسبادن ١٩٦٢/١٩٧٩.
- (٣٨) احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، چاپ مجدباقر موسوی خراسان، بیروت ١٩٨١/١٤٠١.
- (٣٩) فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ١٩٧٩/١٣٩٩.
- (٤٠) مجد بن حسن طوسی، تلخیص الشافی، چاپ حسین بحر العلوم، قم ١٩٧٤/١٣٩٤.
- (٤١) مجد بن حسن طوسی، رجال الطوسی، نجف ١٩٦١/١٣٨٠.
- (٤٢) مجد بن حسن طوسی، مصباح المتوحد، بیروت ١٩٩١/١٤١١.
- (٤٣) مرتضی عسکری، معالم المدرستین، تهران ١٤٠٥.
- (٤٤) مجد بن ابراهیم عطار، کتاب تذکرة الاولیاء، چاپ نیکلسون، لیدن ١٩٠٥، (تهران، بی تا).
- (٤٥) علی بن حسین علم الهدی، الذخيرة فی علم الکلام، احمد حسینی، قم ١٤١١.
- (٤٦) علی بن مجد علوی عمری، المجدی فی انساب الطالبین، چاپ احمد مهدوی دامغانی، قم ١٤٠٩.
- (٤٧) مجد فاضل لنکرانی، «مصاحبه با استاد آیت الله حاج شیخ مجد فاضل»، نور علم، دوره ٣، ش ٦ (فروردین ١٣٤٨).
- (٤٨) نعمان بن مجد قاضی نعمان، دعائم الاسلام، چاپ آصف بن علی اصغر فیضی، قاهره ١٩٦٣/١٩٦٥.
- (٤٩) عباس قمی، منتهی الامال، تهران (بی تا).
- (٥٠) مجد بن عمر کنشی، اختیار معرفة الرجال، (تلخیص) مجد بن حسن طوسی، چاپ حسن مصطفوی، مشهد ١٣٤٨ ش.
- (٥١) مجد بن یعقوب کلینی، الکافی، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ١٤٠١.
- (٥٢) عبدالله مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف ١٣٤٩-١٣٥٢.
- (٥٣) مجدباقر بن مجدتنقی مجلسی، بحار الانوار، بیروت ١٤٠٣.
- (٥٤) مجدباقر بن مجدتنقی مجلسی، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران ١٣٦٢ ش.
- (٥٥) مجد بن محمد مرتضی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ عبدالستار احمد فراج (و دیگران)، کویت ١٣٨٥/١٩٦٥-١٤٠٦/١٩٨٤.
- (٥٦) علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، چاپ محیی الدین عبدالحمید، مصر ١٣٨٤-١٩٦٤/١٣٨٥-١٩٦٥.
- (٥٧) مجد بن محمد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم ١٤١٢.
- (٥٨) احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفي الشيعة المشتهر برجال النجاشی، چاپ موسی شبیری زنجانی، قم ١٤٠٧.
- (٥٩) حسن بن موسی نوبختی، فرق الشیعة، ترجمه مجدجواد مشکور، تهران ١٣٤١ ش.
- (٦٠) علی بن عثمان هجویری، کنشف المحجوب، چاپ ژوکوفسکی، تهران ١٣٥٨ ش.
- (٦١) احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، بیروت (بی تا)؛

پانویس

- ↑ مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ١٢، ص ٤٢٤-٤٣٥.
- ↑ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة فی معرفة الائمة، ج ٢، ص ٢٢٩.
- ↑ ابن عساکر، ترجمة الامام زين العابدين علی بن الحسين عليه السلام و تليها ترجمة ابنه الامام مجدالباقر عليه السلام من تاريخ مدينة دمشق، ج ١، ص ١١٤١٢.
- ↑ ابن شهر آشوب، مجد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ٢، ص ٢٢٨.
- ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، الکافی، ج ١، ص ٤٦٩.
- ↑ سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، ج ١، ص ٣٠٢.
- ↑ ابن خلکان، شمس الدین، وفيات الاعیان، ج ٤، ص ١٧٤.
- ↑ یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ٢، ص ٣٠٥.
- ↑ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ٢، ص ١٤٧.
- ↑ علوی، علی بن مجد، المجدی فی انساب الطالبین، ج ١، ص ٢٠.
- ↑ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة فی معرفة الائمة، ج ٢، ص ٢٣١.
- ↑ مفید، مجد بن محمد، الارشاد، ج ٢، ص ١٧٦.
- ↑ ذهبی، مجد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ٤، ص ٤٠٦.
- ↑ مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢١٨.
- ↑ ابن سعد، مجد، الطبقات الکبیر، ج ٥، ص ٣٢٠.
- ↑ ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی، صفة الصفوة، ج ٢، ص ١٠٨.
- ↑ ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی، صفة الصفوة، ج ٢، ص ٣٥٩.
- ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، الکافی، ج ١، ص ٤٦٩.
- ↑ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة فی معرفة الائمة، ج ٢، ص ٢٢٨.
- ↑ مفید، مجد بن محمد، الارشاد، ج ١، ص ١٥٨.
- ↑ مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢١٢٢١٩.
- ↑ ابن خلکان، شمس الدین، وفيات الاعیان، ج ٤، ص ١٧٤.
- ↑ حنبلی، ابن عماد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ٢، ص ٧٢.
- ↑ ذهبی، مجد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ٤، ص ٤٠١.
- ↑ صفدی، خلیل بن ایبک، الوافی بالوفیات، ج ٤، ص ٧٧.
- ↑ طوسی، مجد بن حسن، مصباح المتوحد، ج ١، ص ٨٠١.
- ↑ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ١، ص ٤٩٨.
- ↑ مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢١٩ ٢١٢.
- ↑ امین، محسن، اعیان الشیعة، ج ١، ص ٦٤٥.
- ↑ قمی، عباس، منتهی الامال، ج ٢، ص ٩٦.
- ↑ ابن خلکان، شمس الدین، وفيات الاعیان، ج ٤، ص ١٧٤.
- ↑ ابن سعد، مجد، الطبقات الکبیر، ج ٥، ص ٣٢٤.
- ↑ ابن اثیر، ابوالحسن، الكامل فی التاريخ، ج ٥، ص ١٨٠.
- ↑ حنبلی، ابن عماد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ٢، ص ٧٢.
- ↑ ذهبی، مجد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ٤، ص ٤٠١.
- ↑ مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢١٢٢١٩.
- ↑ یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ٢، ص ٣٢٠.
- ↑ حنبلی، ابن عماد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ٢، ص ٧٢.
- ↑ مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢١٢٢١٩.

٤٠. ↑ أمين، محسن، اعيان الشيعة، ج ١، ص ٦٤٥.
٤١. ↑ قمى، عباس، منتهى الامال، ج ٢، ص ١٣٥.
٤٢. ↑ ابن خلكان، شمس الدين، وفيات الاعيان، ج ٤، ص ١٧٤.
٤٣. ↑ صفدى، خليل بن ابيك، الوافى بالوفيات، ج ٤، ص ٧٧.
٤٤. ↑ ابن خلكان، شمس الدين، وفيات الاعيان، ج ٢، ص ٣٧٨.
٤٥. ↑ كليتى، مجد بن يعقوب، الكافى، ج ١، ص ٤٧٢.
٤٦. ↑ مجلسى، مجدباقر، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢١٧.
٤٧. ↑ مجلسى، مجدباقر، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢١٧.
٤٨. ↑ قمى، عباس، منتهى الامال، ج ٢، ص ١٣٥.
٤٩. ↑ ابن شهر آشوب، مجد بن على، مناقب آل ابى طالب، ج ٣، ص ٣٤٠.
٥٠. ↑ مجلسى، مجدباقر، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢١٦.
٥١. ↑ أمين، محسن، اعيان الشيعة، ج ١، ص ٦٣٥.
٥٢. ↑ مسعودى، على بن حسين، مروج الذهب و معادن الجوهر، ج ٣، ص ٢٢٢.
٥٣. ↑ كليتى، مجد بن يعقوب، الكافى، ج ١، ص ٤٧١٤٧٢.
٥٤. ↑ مجلسى، مجدباقر، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢٠٦٣٢٠.
٥٥. ↑ بيهقى، ابراهيم بن مجد، المحاسن و المساوى، ج ٢، ص ٢٣٤٠٢٢٢.
٥٦. ↑ ابن عساکر، ترجمة الامام زين العابدين على بن الحسين عليه السلام و تليها ترجمة ابنه الامام مجدباقر عليه السلام من تاريخ مدينة دمشق، ج ١، ص ١٢٨١٢٧.
٥٧. ↑ ابن سعد، مجد، الطبقات الكبير، ج ٥، ص ٣٢٠.
٥٨. ↑ ابن شهر آشوب، مجد بن على، مناقب آل ابى طالب، ج ٤، ص ٢١٠.
٥٩. ↑ اربلى، على بن عيسى، كشف الغمّة فى معرفة الائمة، ج ٢، ص ٣٣٠.
٦٠. ↑ علوى، على بن مجد، المجدى فى انساب الطالبين، ج ١، ص ٩٤.
٦١. ↑ علوى، على بن مجد، المجدى فى انساب الطالبين، ج ١، ص ٩٤.
٦٢. ↑ ابن شهر آشوب، مجد بن على، مناقب آل ابى طالب، ج ٣، ص ٢٣٩.
٦٣. ↑ مفيد، مجد بن مجد، الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، ج ٢، ص ١٦١.
٦٤. ↑ مجد بن يعقوب كليتى، الكافى، ج ٦، ص ٢٨٠، چاپ على اكبر غفارى، بيروت ١٤٠١.
٦٥. ↑ مجد بن يعقوب كليتى، الكافى، ج ٦، ص ٢٤٦، چاپ على اكبر غفارى، بيروت ١٤٠١.
٦٦. ↑ مجد بن يعقوب كليتى، الكافى، ج ٦، ص ٤٤٨، چاپ على اكبر غفارى، بيروت ١٤٠١.
٦٧. ↑ ذهبى، مجد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج ٤، ص ٤٠٢.
٦٨. ↑ مجد بن مجد مفيد، الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، ج ٢، ص ١٦٢، قم ١٤١٣.
٦٩. ↑ مجدباقر بن مجدتنقى مجلسى، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢٩٤، بيروت ١٤٠٢.
٧٠. ↑ مجدباقر بن مجدتنقى مجلسى، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢٩٠٢٩١، بيروت ١٤٠٢.
٧١. ↑ مجدباقر بن مجدتنقى مجلسى، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢٨٨، بيروت ١٤٠٢.
٧٢. ↑ مجدباقر بن مجدتنقى مجلسى، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٣٠٣، بيروت ١٤٠٢.
٧٣. ↑ ابن قتيبه، كتاب عيون الاخبار، ج ٢، ص ٢٠٨، بيروت (بى تا).
٧٤. ↑ احمد بن عبدالله ابونعيم، حلية الاولياء و طبقات الاصفياء، ج ٢، ص ١٨٠، بيروت ١٩٦٧/١٣٨٧.
٧٥. ↑ مجد بن ابراهيم عطار، كتاب تذكرة الاولياء، ج ٢، ص ٢٣٩، چاپ نيكلسون، ليدن ١٩٠٥، (تهران، بى تا).
٧٦. ↑ على بن عثمان هجویری، كشف المحجوب، ج ١، ص ٩٢٠٩٢، چاپ زوكوفسكى، تهران ١٣٥٨ ش.
٧٧. ↑ ابن حجر هيثمى، الصواعق المخرفة فى الرد على اهل البدع و الزندقة، ج ١، ص ٢٠١، چاپ عبدالوهاب عبداللطيف، قاهره ١٩٦٥/١٣٨٥.
٧٨. ↑ مجد بن يعقوب كليتى، الكافى، ج ٢، ص ٤٩٩، چاپ على اكبر غفارى، بيروت ١٤٠١.
٧٩. ↑ مجدباقر بن مجدتنقى مجلسى، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢٩٧، بيروت ١٤٠٢.
٨٠. ↑ على بن عيسى اربلى، كشف الغمّة فى معرفة الائمة، ج ٢، ص ٢٢٩، بيروت ١٤٠١/١٩٨١.
٨١. ↑ مجدباقر بن مجدتنقى مجلسى، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢٩٩٢٠٠، بيروت ١٤٠٢.
٨٢. ↑ ابن عساکر، ترجمة الامام زين العابدين على بن الحسين عليه السلام و تليها ترجمة ابنه الامام مجدباقر عليه السلام من تاريخ مدينة دمشق، ج ١، ص ١٦١، چاپ مجدباقر محمودى، تهران ١٤١٣.
٨٣. ↑ ابن قتيبه، كتاب عيون الاخبار، ج ٣، ص ٥٧، بيروت (بى تا).
٨٤. ↑ ابن شهر آشوب، مجد بن على، مناقب آل ابى طالب، ج ٣، ص ٣٣٧.
٨٥. ↑ ذهبى، مجد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج ٤، ص ٤٠٢.
٨٦. ↑ ابن سعد، مجد، الطبقات الكبير، ج ٥، ص ٣٢٢.
٨٧. ↑ مجلسى، مجدباقر، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢٢٠.
٨٨. ↑ ابن قتيبه، كتاب عيون الاخبار، ج ١، ص ٣١٢، بيروت (بى تا).
٨٩. ↑ الذخيرة فى علم الكلام، احمد حسينى، قم ١٤١١.
٩٠. ↑ ابن بابويه، علل الشرايع، ج ١، ص ٢٢٢، نجف ١٣٨٥.
٩١. ↑ الذخيرة فى علم الكلام، احمد حسينى، قم ١٤١١.
٩٢. ↑ حنبلى، ابن عماد، شذرات الذهب فى اخبار من ذهب، ج ٢، ص ٧٢.
٩٣. ↑ ابن خلكان، شمس الدين، وفيات الاعيان، ج ٤، ص ١٧٤.
٩٤. ↑ صفدى، خليل بن ابيك، الوافى بالوفيات، ج ٤، ص ٧٧.
٩٥. ↑ ذهبى، مجد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج ٤، ص ٤٠٢.
٩٦. ↑ مرتضى عسكري، معالم المدرستين، ج ٢، ص ٤٤، تهران ١٤٠٥.
٩٧. ↑ ذهبى، مجد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج ٤، ص ٤٠٢.
٩٨. ↑ ذهبى، مجد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج ٤، ص ٤٠٢.
٩٩. ↑ مجد بن مجد مفيد، الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، ج ٢، ص ١٥٧، قم ١٤١٣.
١٠٠. ↑ ذهبى، مجد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج ٥، ص ٢٠٨٢١٣.
١٠١. ↑ احمد بن عبدالله ابونعيم، حلية الاولياء و طبقات الاصفياء، ج ٢، ص ١٨٦، بيروت ١٩٦٧/١٣٨٧.
١٠٢. ↑ ابن عساکر، ترجمة الامام زين العابدين على بن الحسين عليه السلام و تليها ترجمة ابنه الامام مجدباقر عليه السلام من تاريخ مدينة دمشق، ج ١، ص ١٤٢، چاپ مجدباقر محمودى، تهران ١٤١٣.
١٠٣. ↑ مجد بن مجد مفيد، الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، ج ٢، ص ١٠٦، قم ١٤١٣.
١٠٤. ↑ سبط ابن جوزى، تذكرة الخواص، ج ١، ص ٢٠٢، بيروت ١٩٨١/١٤٠١.
١٠٥. ↑ أمين، محسن، اعيان الشيعة، ج ١، ص ٦٤٤.
١٠٦. ↑ ابن سعد، مجد، الطبقات الكبير، ج ٥، ص ٣٢٤.
١٠٧. ↑ مجد بن حسن طوسى، رجال الطوسى، ج ١، ص ١٤٢٠٢، نجف ١٩٦١/١٣٨٠.
١٠٨. ↑ مجدباقر بن مجدتنقى مجلسى، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢٤٠، بيروت ١٤٠٢.
١٠٩. ↑ على بن عيسى اربلى، ج ٢، ص ٣٣٧، به نقل از مفيد، كشف الغمّة فى معرفة الائمة، بيروت ١٩٨١/١٤٠١.
١١٠. ↑ طوسى، مجد بن حسن، اختيار معرفة الرجال، ج ١، ص ١٦٣.
١١١. ↑ طوسى، مجد بن حسن، اختيار معرفة الرجال، ج ١، ص ٣٩١.
١١٢. ↑ مجلسى، مجدباقر، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢٢٨.
١١٣. ↑ طوسى، مجد بن حسن، اختيار معرفة الرجال، ج ٢، ص ٥٠٧.

١١٤. ↑ دهبی، مجد بن احمد سیر اعلام النبلاء، ج ٢، ص ٢٦٨، استنبول ١٩٨١.
١١٦. ↑ مجد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ١، ص ٦٩، استنبول ١٩٨١.
١١٧. ↑ دعائم الاسلام، چاپ آصف بن علی اصغر فیضی، (قاهره) ١٩٦٣-١٩٦٥.
١١٨. ↑ ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ١، ص ١٢٠-١٢١، بیروت ١٩٧١/١٣٩٠.
١١٩. ↑ مجد بن مجد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ٢، ص ١٦٧، قم ١٤١٣.
١٢٠. ↑ مجدباقر بن مجدتی مجلسی، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢٨٨، بیروت ١٤٠٣.
١٢١. ↑ ابن حنبل، مسند، ج ١، ص ٧٥-١٦٠، استنبول ١٩٨٢/١٤٠٣.
١٢٢. ↑ ابن حنبل، مسند، ج ١، ص ٧٧-٨٠، استنبول ١٩٨٢/١٤٠٣.
١٢٣. ↑ ابن حنبل، مسند، ج ١، ص ٩٠، استنبول ١٩٨٢/١٤٠٣.
١٢٤. ↑ ابن حنبل، مسند، ج ١، ص ١٠١، استنبول ١٩٨٢/١٤٠٣.
١٢٥. ↑ ابن حنبل، مسند، ج ١، ص ١٠٣، استنبول ١٩٨٢/١٤٠٣.
١٢٦. ↑ حاکم نیشابوری، مجد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ٢، ص ٢٢.
١٢٧. ↑ حاکم نیشابوری، مجد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ٢، ص ٢٢٨.
١٢٨. ↑ حاکم نیشابوری، مجد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ٢، ص ٥٨٨.
١٢٩. ↑ حاکم نیشابوری، مجد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ٢، ص ١٤٤.
١٣٠. ↑ حاکم نیشابوری، مجد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ٢، ص ١٦٢.
١٣١. ↑ حاکم نیشابوری، مجد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ٢، ص ١٧٢.
١٣٢. ↑ حاکم نیشابوری، مجد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ٢، ص ٥١٦.
١٣٣. ↑ حاکم نیشابوری، مجد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ٢، ص ٥٦٨.
١٣٤. ↑ حاکم نیشابوری، مجد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ٢، ص ٢٢.
١٣٥. ↑ حاکم نیشابوری، مجد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ٢، ص ٢٣٥.
١٣٦. ↑ احمد بن عبدالله ابونعیم، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ج ٢، ص ١٨٨، بیروت ١٩٦٧/١٣٨٧.
١٣٧. ↑ امین، محسن، اعیان الشیعة، ج ١، ص ٦٥١.
١٣٨. ↑ مجد بن احمد ذهبی، الکشف فی معرفة من له رواية فی الکتب السنّة، ج ٣، ص ٧٩-٨٠، چاپ عزت علی عبد عطیه و موسی مجد علی موشی، قاهره ١٩٧٢/١٣٩٢.
١٣٩. ↑ ابن ندیم، کتاب الفهرست، ج ١، ص ٢٦، چاپ رضا تجدد، تهران ١٣٥٠ ش.
١٤٠. ↑ احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنّفی الشیعة المشتهر برجال النجاشی، ج ١، ص ١٧٠، چاپ موسی شبیری زنجانی، قم ١٤٠٧.
١٤١. ↑ مجد محسن آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ٤، ص ٢٥١، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ١٩٨٢/١٤٠٣.
١٤٢. ↑ مجد محسن آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ٤، ص ٢٠٢، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ١٩٨٢/١٤٠٣.
١٤٣. ↑ مجد محسن آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ٤، ص ٢٠٦-٢٠٦، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ١٩٨٢/١٤٠٣.
١٤٤. ↑ مرتضیٰ عسکری، معالم المدرستین، ج ٢، ص ٤٤٥٨، تهران ١٤٠٥.
١٤٥. ↑ مجد بن مجد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ٢، ص ١٦٢، قم ١٤١٣.
١٤٦. ↑ مجد فاضل لنکرانی، «مصاحبه با استاد آیت الله حاج شیخ مجد فاضل»، ج ١، ص ١٤، نور علم، دوره ٣، ش ٦ (فروردین ١٣٦٨).
١٤٧. ↑ مجد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ٢، ص ١٥٤١٦، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ١٤٠١.
١٤٨. ↑ طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ١، ص ٢٢٢٢٢٢.
١٤٩. ↑ مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢٣٣٢٨٦.
١٥٠. ↑ مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٣٤٧٢٥٩.
١٥١. ↑ احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ٢، ص ٢٢١-٢٢١، چاپ مجدباقر موسوی خراسانی، بیروت ١٩٨١/١٤٠١.
١٥٢. ↑ امین، محسن، اعیان الشیعة، ج ١، ص ٦٤٧.
١٥٣. ↑ مجد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ٨، ص ١٢٠، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ١٤٠١.
١٥٤. ↑ ذهبی، مجد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ٥، ص ٩٥.
١٥٥. ↑ مفید، مجد بن مجد، الارشاد، ج ٢، ص ١٦٤١٦٥.
١٥٦. ↑ ابن اثیر، ابوالحسن، الکامل فی التاریخ، ج ٤، ص ١٩٤.
١٥٧. ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، الکافی، ج ٨، ص ١٢٠.
١٥٨. ↑ ذهبی، مجد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ٥، ص ١٠١.
١٥٩. ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، الکافی، ج ٨، ص ١٢٠.
١٦٠. ↑ مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ١٠، ص ١٦١.
١٦١. ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، الکافی، ج ١، ص ٨٨.
١٦٢. ↑ تستری، مجدتی، قاموس الرجال، ج ٩، ص ١٨٢-١٨٢.
١٦٣. ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، الکافی، ج ٨، ص ١٢٠.
١٦٤. ↑ ذهبی، مجد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ٤، ص ٤٠٥.
١٦٥. ↑ مفید، مجد بن مجد، الارشاد، ج ٢، ص ١٦٢١٦٤.
١٦٦. ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، الکافی، ج ١، ص ٢٧١.
١٦٧. ↑ معتزلی، ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ١١، ص ٢٣٢٤.
١٦٨. ↑ زمخشری، محمود بن عمر، ربیع الاربار و نصوص الاخبار، ج ٢، ص ٥١٤.
١٦٩. ↑ طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ١، ص ٢٠٤.
١٧٠. ↑ طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ١، ص ٢٢٢-٢٢١.
١٧١. ↑ حرعاملی، مجد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ٢، ص ٤٢٥.
١٧٢. ↑ بیهقی، ابراهیم بن مجد، المحاسن و المساوی، ج ٢، ص ٢٢٢-٢٢٢.
١٧٣. ↑ دمیری، مجد بن موسی، حیاة الحیوان الکبری، ج ١، ص ٩٢٩.
١٧٤. ↑ اشعری، علی بن اسماعیل، مقالات الاسلامین و اختلاف المصلین، ج ١، ص ٨٨-٩٧.
١٧٥. ↑ اشعری، سعد بن عبدالله، کتاب المقالات و الفرق، ج ١، ص ٧٤-٧٤.
١٧٦. ↑ نوختی، حسن بن موسی، فرق الشیعة، ج ١، ص ٩٤-٩١.
١٧٧. ↑ طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ٢، ص ٥٠٥.
١٧٨. ↑ حسن بن موسی نوختی، فرق الشیعة، ج ١، ص ٤٧-٦٠، ترجمه مجدجواد مشکور، تهران ١٣٦١ ش.
١٧٩. ↑ علی بن اسماعیل اشعری، مقالات الاسلامین و اختلاف المصلین، ج ١، ص ٩٦-٩٠، چاپ مجد محی الدین عبدالحمید، (بی جا) ١٩٨٥/١٤٠٥.
١٨٠. ↑ سعد بن عبدالله اشعری، کتاب المقالات و الفرق، ج ١، ص ٢٣-٢٥، چاپ مجدجواد مشکور، تهران ١٣٦١ ش.
١٨١. ↑ حسن بن موسی نوختی، فرق الشیعة، ج ١، ص ٨٨-٨٨، ترجمه مجدجواد مشکور، تهران ١٣٦١ ش.
١٨٢. ↑ سعد بن عبدالله اشعری، کتاب المقالات و الفرق، ج ١، ص ٧٢-٧١، چاپ مجدجواد مشکور، تهران ١٣٦١ ش.
١٨٣. ↑ مجد بن مجد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ٢، ص ١٧٢، قم ١٤١٣.
١٨٤. ↑ مجدتی تستری، قاموس الرجال، ج ٤، ص ٢٧٤-٢٥٩، قم ١٤١٠.
١٨٥. ↑ مجد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ١، ص ٢٠٥٢٠٦، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ١٤٠١.
١٨٦. ↑ مجدباقر بن مجدتی مجلسی، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج ٢، ص ٢٢٤، تهران ١٣٦٢ ش.
١٨٧. ↑ مجد بن حسن طوسی، تلخیص الشافی، ج ٤، ص ١٩٤، چاپ حسین بحر العلوم، قم ١٩٧٤/١٣٩٤.
١٨٨. ↑ مجد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ١، ص ٢٠٥٢٠٦، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ١٤٠١.
١٨٩. ↑ علی بن یونس بیاضی، الصراط المستقیم الی مستحقّی التقدیم، ج ٢، ص ١٦٢-١٦١، چاپ مجدباقر بیهودی، تهران ١٣٨٤.
١٩٠. ↑ مجدباقر بن مجدتی مجلسی، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢٢٢٢٢٢، بیروت ١٤٠٣.

۱۹۱. ↑ مجد بن حسن حر عاملی، اثبات الهداة بالفصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۲۶۵-۲۶۱، چاپ هاشم رسولی، ج ۵، با شرح و ترجمه فارسی احمد جنتی، تهران ۱۳۵۷ ش.
۱۹۲. ↑ علی بن حسین علم الهدی، الذخیره فی علم الکلام، ج ۱، ص ۵۰۲، احمد حسینی، قم ۱۴۱۱.
۱۹۳. ↑ مجد بن حسن طوسی، تلخیص الشافی، ج ۴، ص ۱۹۳، چاپ حسین بحر العلوم، قم ۱۳۹۴/۱۹۷۴.
۱۹۴. ↑ مجد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۶۹۴۷۲، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱. 📖
۱۹۵. ↑ طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۵۶-۲۶۰.
۱۹۶. ↑ طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۴۸.
۱۹۷. ↑ علی بن یونس بیاضی، الصراط المستقیم الی مستحقّی التقدیم، ج ۲، ص ۱۸۵-۱۸۲، چاپ مجدباقر بهبودی، تهران ۱۳۸۴.
۱۹۸. ↑ مجدباقر بن مجدتی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۳۳۲۸۶، بیروت ۱۴۰۳. 📖
۱۹۹. ↑ مجدباقر بن مجدتی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۰۶۳۳۰، بیروت ۱۴۰۳. 📖
۲۰۰. ↑ مجد بن حسن حر عاملی، اثبات الهداة بالفصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۲۳۲-۲۶۹، چاپ هاشم رسولی، ج ۵، با شرح و ترجمه فارسی احمد جنتی، تهران ۱۳۵۷ ش.
۲۰۱. ↑ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّه فی معرفة الاثمة، ج ۲، ص ۳۵۰-۳۵۱، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱. 📖
۲۰۲. ↑ مجدباقر بن مجدتی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۶۹، بیروت ۱۴۰۳. 📖
۲۰۳. ↑ علی بن اسماعیل اشعری، مقالات الاسلامین و اختلاف المصلین، ج ۱، ص ۷۵-۶۸، چاپ مجد محی الدین عبدالحمید، (بی جا) ۱۴۰۵/۱۹۸۵.
۲۰۴. ↑ علی بن اسماعیل اشعری، مقالات الاسلامین و اختلاف المصلین، ج ۱، ص ۹۷-۹۶، چاپ مجد محی الدین عبدالحمید، (بی جا) ۱۴۰۵/۱۹۸۵.
۲۰۵. ↑ حسن بن موسی نوبختی، فرق الشیعه، ج ۱، ص ۹۴-۹۶، ترجمه مجدجواد مشکور، تهران ۱۳۶۱ ش.
۲۰۶. ↑ سعد بن عبدالله اشعری، کتاب المقالات و الفرق، ج ۱، ص ۷۷-۷۶، چاپ مجدجواد مشکور، تهران ۱۳۶۱ ش.
۲۰۷. ↑ عبدالقاهر بغدادی، الفرق بین الفرق، ج ۱، ص ۵۹-۶۰، چاپ مجد محی الدین عبدالحمید، بیروت (بی تا).
۲۰۸. ↑ مجد بن عبدالکریم شهرستانی، کتاب الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۴۷، چاپ افست قم ۱۳۶۴ ش.
۲۰۹. ↑ صفدی، خلیل بن ابیک، الوافی بالوفیات، ج ۴، ص ۷۷. 📖
۲۱۰. ↑ طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۳۷-۲۳۸.
۲۱۱. ↑ طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۶۲.
۲۱۲. ↑ طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۷۸.
۲۱۳. ↑ طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۹۲.
۲۱۴. ↑ طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۱۳.
۲۱۵. ↑ طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۲۶-۱۳۷.
۲۱۶. ↑ طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۰۸-۲۰۷.
۲۱۷. ↑ طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۴۵.

منبع

دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «امام باقر علیه السلام»، شماره ۲۷۴. 📖
 آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۳۳۷-۳۳۸، رسول جعفریان. 📖

رده‌های این صفحه: **امام باقر** | **امامت امام باقر** | **تاریخ معصومان** | **سیره امام باقر** | **سیره سیاسی امامان شیعه** | **شهادت امام باقر**